

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضر هستيد که گفتگویی ما راجع به تحقیق در دو مطلب بود:

1: امکان یا عدم امکان تعبد به ظن

2: امکان یا عدم امکان جمع بین حکم ظاهری و واقعی

عرض شد که سنخ اشکالات ابن قبة کلامی است و سنخ اشکالات مرحوم آخوند و... اصولی بود و لذا باید اشکال را متناسب با خودش پاسخ داد یعنی اگر اشکال، کلامی است پاسخ هم باید کلامی باشد.

همچنین عرض شد که می شود از محیط عقلاء در قانون گذاری به محیط شرع برسیم مگر بحث عام و خاص، اوامر، نواهی،

اجتماع ضد، تراحم، مفاهیم و... با نگاه به رویکرد عقلاء نیست مگر با کمک محیط عقلاء نیست؟

باید ببینیم وقتی حکم در محیط عقلا اشتباه به شهروندان می رسد؛ حکم در چه مرحله ای باقی می ماند تا همین را به محیط شرع سرایت دهیم .

علت نیاز ما به محیط عقلا این است که از برخی بحث ها فارغ می شویم مثلا شیخ انصاری در صورتی که اماره خلاف حکم واقعی باشد می فرماید حکم واقعی انشائی است مرحوم آخوند می گوید حکم فعلی است دیگری که از آن به بعضی الاساطین یاد شده می گوید حکم شانی است.

آقای نائینی اشکال کند و می گوید حکم شانی چه است؟ رویه بهتر در پژوهش این است که ما به محیط عقلا نگاه کنیم و آن را به محیط شرع بکشانیم.

در مجعول امارات هم همیشه اختلاف است که آیا طریقیست و کاشفیت است کما اینکه محقق نائینی اصرار دارد یا حجیت است کما اینکه مرحوم آخوند می فرماید و یا حکم تکلیفی است کما اینکه مشهور معتقدند و مرحوم صدر می فرماید هر چه بگوید فرقی ندارد در مساله ما تاثیری ندارد.

استاد: من روش مرحوم امام خمینی و آقا ضیاء را می پسندم که گفته اند باید در محیط عقلا داخل شویم و همان رویه را در محیط شریعت جریان دهیم.

ببینید وقتی ما به محیط عقلا سر می زنیم عقلا یک مرحله تصویب قانون دارند و یک مرحله هم اعلام و تمام محاجه ها و درگیری ها در مرحله اعلان است .

نکته: عقلا برای اعلان قانون، فقط نقش بیان می بینند یعنی اعلان را تقنین مجدد تلقی نمی کنند؛ هیچ وقت نمی گویند تلویزیون قانون گذار است بلکه تلویزیون را کانال ارتباطی بین قانون گذار و شهروند می دانند .

ما یک تقنین داریم و یک بیان قانون داریم جالب این است که جعل یک کانال برای بیان قانون، خودش یک قانون واقعی است ؛

یعنی فرض کنید قانون گذار 999 ماده ی قانونی جعل می کند و بعد می گوید ماده 1000 عبارت است از : تمام این قوانین از

طریق روزنامه ظرف یک ماه به شهروندان برسد و روزنامه رسمی سند برای مواد 999 گانه است این ماده 1000 حکم واقعی

است که در دو غالب وضعی و تکلیفی بیان می شود مثلا واقعی تکلیفی مثل اینکه قانون گذار بگوید تمام شهروندان واجب است پس از شنیدن قانون از روزنامه رسمی متابعت کنند.

در برخی از کشورها تا یک ماه چهل به قانون پذیرفته است؛ در شریعت مطهر مدت یک ماه نیست ولی گفته شده اگر کسی

قریب العهد للاسلام باشد عذرش را بپذیرید اما اگر کسی سالیان زیادی از سابقه مسلمان بودنش می گذرد عذرش پذیرفته نیست

مثلا در حد شراب؛ اگر کسی سابقه 20 سال اسلام داشته باشد و... عذرش پذیرفته نمی شود اما اگر کسی 2 هفته است که اسلام آورده است از او می پذیرند. همین قانون عقلا به شریعت کشیده می شود.

اینکه گفتیم عقلا تصویب دارند و بیان ، این در محیط شرع جاری است و خدشه ای ندارد چرا که شارع هم یک تقنین دارد و یک بیان دارد که توسط حضرات معصومین انجام می شود.

ما در بحث های که در سال های گذشته انجام دادیم یک تاملی به این شکل داشتیم ؛ عقلا یک انشاء دارند و یک ابلاغ (کاری که در تمامی کشورها جریان دارد) اما در محیط دینی اینکه می گویند خداوند انشاء فرموده یعنی چه ؟؟ عقلا باید خودشان را آماده کنند اما در مورد خداوند که آمادگی معنا ندارد بلکه خدای تعالی زمانی که اراده کند کار تمام است.

ما گفتیم به جای مرحله انشاء بهتر است گفته شود مرحله شأنیت، مرحله اراده ؛ چرا که مرحله اراده قابل خدشه نیست چرا که می شود گفت خداوند یک کاری را دوست دارد اما بر زمه مکلفین نمی گذارد اما به زمه پیامبر میگذارد.

اگر خداوند اراده کرد و بر زمه مکلفین قرار داد می شود حکم؛ و اگر اراده کرد اما بر زمه مکلفین قرار نداد این می شود غیر حکم. از این حرف ها که بگذریم یک مرحله اراده است یک مرحله ابلاغ به مردم است و یک مرتبه هم آگاه شدن مردم است.

ما از محیط عقلا کمک گرفتیم البته با تفاوت هایی؛ در محیط عقلا میگوئیم تصویب در محیط شرع اراده میگوئیم.

بیان قانون هم در محیط عقلا هست و هم در محیط شرع ؛ و در محیط شرع پیامبران و امامان به عنوان مبلغ هستند در محیط شرع امارات ، سوق مسلمین ، شهادت دو عادل ، فتوی مجتهد و ... طرقی هستند که برای بیان قوانین الهی مطرح اند البته همانطور که ممکن است رسانه و روزنامه اشتباه کند ممکن است اینها نیز اشتباه کنند.

به نظر می رسد فرمایش مرحوم آخوند درست است که در اینجا اماره جعل منجزیت و عذر می باشد. همچنین دقت شود اینکه

می گوئیم خبر واحد یک کانال ارتباطی است این خودش یک حکم واقعی است گرچه مفاد خبر واحد حکم ظاهری است.

کل شی لک حلال ... گرچه مفاد این حکم ظاهری است اما خود این قانون حکم واقعی است .

سوال: خداوند امارات را به چه صورت جعل کرده است؟ آیا فرموده امارات حجت هستند؟ یا فرموده خیر واحد واجب المتابعة است؟

جواب: برای پاسخ به این سوال باید سراغ آیات و روایات برویم و لسان آنها را ببینیم.

ولی به شما بگویم که در این رابطه نصوص ما یک رویه واحدی ندارند بلکه گاه لسان اخبار وجوب متابعت است و گاه حجیت است بعضی لسان الغاء احتمال خلاف است.

جمع بندی: اگر اماره مطابق با واقع بود فعلی می شود و منجز می شود و اگر مطابق با واقع نبود نه طلبی وفق آن است و نه

ایجابی و ... بلکه مکلف عذر دارد ؛ با بیانی که داشتیم اشکال اجتماع ضدین و مثلین و ... پیش نمی آید.

**الحمد لله رب العالمین**